اطلاعات ۱۳۰۵
Ettelaat Newspaper
چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۳ ۲۶ ذی الحجه ۱۴۴۵
۳ جولای ۲۰۲۴ سال نودوهشتم * شماره ۲۸۷۰۶
ettelaatonline ettelaat.com

کلمات فارسیِ ابن سینا و تأثیر آنها در ادبیات

دکتر محمد معین (۹ اردیبهشت ۱۲۹۷ـ۱۳ تیر ۱۳۵۰) پدیدآورندهٔ یکی از مهمترین واژه‌نامه‌های فارسی یعنی «فرهنگ فارسی معین» است. از دیگر آثار اوست: حافظ شیرین سخن، ستاره ناهید یا داستان خرداد و امرداد، یوشت فریان و مرزبان‌نامه، یادنامه پورداوود، شاهان کیانی و هخامنشی در آثارالباقیه، مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی، چندین کتاب در مقوله‌های دستوری. امروز سالگرد درگذشت این دانشمند پرتلاش و کم‌نظیر است.

دکتر محمد معین

نویسنده، مصحح، مترجم

مقاله
زبان شناسی

پس از فتوحات عرب در شرق و غرب و شمال و جنوب جزیره العرب و توسعه حکومت خلفا و ایجاد تمدن اسلامی، زبان عربی، زبان علمی و تقریباً رسمی مسلمانان جهان از جمله ایرانیان گردید. ادیبان و دانشمندان ایرانی، مصفنات و مؤلفات خویش را بیشتر به زبان تازی تألیف می‌کردند؛ چنان که آثار ابن قتیبه دینوری، حمزه اصفهانی، محمدبن جریر طبری در ادب و تاریخ، و تصنیف ابن فقیه همدانی در جغرافی، و مؤلَفات محمدبن یعقوب کلینی و ابن بابویه در حدیث، و نوشته‌های محمد بن زکریای رازی در طب، و آثار ابومعشر بلخی در ریاضی و نجوم، همه به زبان عربی نوشته شده است. از آغاز قرن سوم هجری، شعر فارسی که زبان دل و ترجمان احساسات است، ظاهر شد و رو به تکامل گذاشت؛ ولی نثر فارسی قریب یک قرن بعد نشأت یافت و به تدریج به سوی کمال شتافت.

نخست آثار ادبی و تاریخی و جغرافیایی و دینی به زبان پارسی به رشته تحریر درآمد، چنان که شاهنامه ابومنصوری که مقدمه آن به جا مانده، مؤلف به سال ۳۴۶ق، و کتاب گرشاسب تألیف ابوالموید بلخی معاصر نوح بن منصور (۳۶۵ـ۳۸۷ق)، و ترجمه و اقتباس از تاریخ طبری توسط محمد بن ابی الفضل محمد بن عبدالله بلعمی (متوفای ۳۶۳ق) در تاریخ؛ و عجایب البلدان تألیف ابوالمؤید مذکور، و حدود العالم من المشرق الی المغرب (مؤلف به سال ۳۷۲ق) در جغرافی، و رساله در عقاید حنفیان تألیف حکیم ابوالقاسم سمرقندی (متوفی به سال ۳۴۳ق) و ترجمه و اقتباس از تفسیر طبری توسط گروهی از علمای ماوراء النهر در عهد منصور بن نوح بن نصر (۳۵۰ـ۳۶۵ق)، و تفسیر قرآن موجود در کتابخانه دانشگاه کمبریج (انگلستان) در زمره کتب دینی به شمار است.

کتاب‌های علمی فارسی از حیث زمان و کمیّت در مرحله دوم قرار دارد، از این قبیل است: رساله استخراج محمد بن ایوب طبری (قرن چهارم) و شش فصل همان مؤلف در نجوم، و هدایه المتعلمین یا الهدایه فی الطب تألیف ابوبکر (یا ابوحکیم) ربیع بن احمد اخوینی بخاری مؤلف در حدود ۳۷۰ق، و رگ شناسی تألیف ابن سینا (۳۷۳ـ۴۲۸ق) در طب؛ و دانشنامه علائی تألیف ابن سینا (مؤلف بین ۴۱۴ و ۴۲۸) ترجمه و شرح قصه حی بن یقظان به قلم یکی از معاصران ابن سینا که به امر علاءالدوله کاکویه (۳۹۸ـ۴۳۳ق) صورت گرفته در حکمت.

سبب تألیف کتب فارسی

دو علت عمده موجب تألیف کتب به زبان فارسی گردید:

۱. عامه مردم و حتی طبقه متوسط از زبان عربی- جز آنچه مربوط به فرایض دینی بود- چیزی نمی‌دانستند؛ بنابراین کتابی که برای استفاده این طبقات نوشته می‌شد، ناگزیر می‌بایست به زبان مادری آنان تألیف شود.

۲. غالب شاهان و امرای ایرانی از زبان عربی آگاهی کافی نداشتند، و مؤلفان و مصفنان که کتب خود را برای تقرب و تمتع از صلات و جوایز، بدیشان اتحاف می‌کردند، ناگزیر بودند که آثار خود را به زبان فارسی بنویسند، و حتی یک از علل رواج شعر فارسی در همین امر است. مؤلف تاریخ سیستان نویسد: «[پس از تسخیر هرات به دست یعقوب] شعرا او را شعر گفتندی به تازی: قد اکرم الله اهل المصر و البلد/ بملک یعقوب ذی الافضال و العدد... چون این شعر برخواندند، او عالم نبود، درنیافت، محمد بن وصیف حاضر بود و دبیر رسایل او بود، و ادب نیکو دانست، و بدان روزگار نامهٔ پارسی نبود. پس یعقوب گفت: "چیزی که من اندر نیابم، چرا باید گفت؟" محمد بن وصیف پس شعر پارسی گفتن گرفت... و چون عجم برکنده شدند و عرب آمدند، شعر میان ایشان به تازی بود و همگنان را علم و معرفت شعر تازی بود، و اندر عجم کسی برنیامد که او را بزرگی آن بود پیش از یعقوب که اندر او شعر گفتندی، مگر حمزه بن عبدالله الشاری، و او عالم بود و تازی دانست، شعرای او تازی گفتند و سپاه او بیشتر همه از عرب بودند و تازیان بودند. چون یعقوب زنبیل و عمار خارجی را بکشت و هَری بگرفت و سیستان و کرمان و فارس او را دادند، محمد بن وصیف این شعر بگفت:

ای امیری که امیران جهان خاصه و عام
بنده و چاکر و مولای و سگ بند و غلام...

و بسام کُرد از آن خوارج بود که به صلح نزد یعقوب آمده بودند. چون طریق وصیف بدید اندر شعر، شعرها گفتن و ادیب بود، و حدیث عمار اندر شعری یاد کند:

هر که نبود او به دل متهم   بر اثر دعوت تو کرد نعم...

باز محمد بن مخلد هم سگزی بود، مردی فاضل بود و شاعر، نیز پارسی گفتن گرفت و این شعر را بگفت:

جز تو نزاد حوا و آدم نکشت   شیرنهادی به دل و برمنشت...

پس از آن هر کسی طریق شعر گفتن برگرفتند؛ اما ابتدا اینان بودند...»

در مقدمه ترجمه و اقتباس از تفسیر طبری می‌خوانیم: این کتاب را بیاوردند از بغداد؛ چهل مصحف بود این کتاب نبشته به زبان تازی و به اسنادهای دراز بود، و بیاوردند سوی امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسماعیل رحمه‌الله علیهم اجمعین. پس دشخوار آمد بر وی خواندن این کتاب و عبارت کردن آن به زبان تازی، و چنان خواست که مر این را ترجمه کند به زبان پارسی. پس علمای ماوراء النهر را گرد کرد، و این را ایشان فتوا کرد که: «روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟» گفتند: «روا باشد خواندن و نبشتن تفسیر قرآن

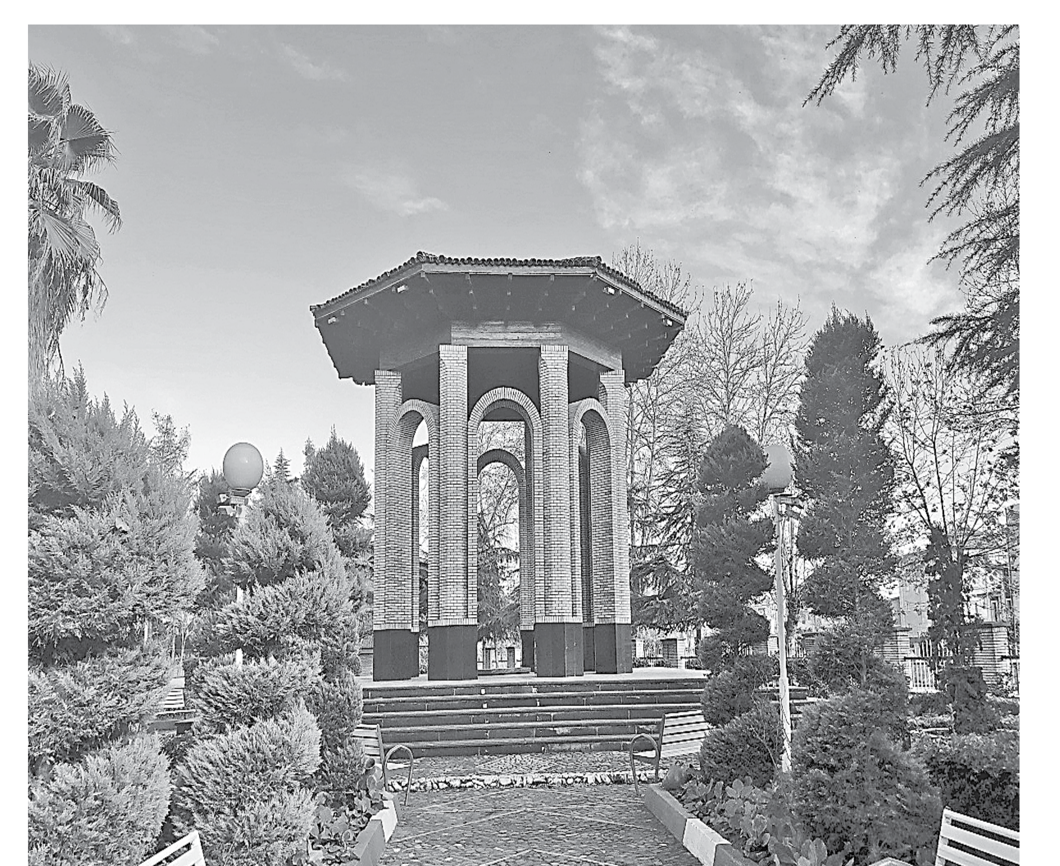

گیلان، آستانهٔ اشرفیه
آرامگاه دکتر معین

عکس: اینترنت

به پارسی مر آن کسی را که او تازی نداند.»

شهمردان بن ابی الخیر در نزهت نامهٔ علائی گوید: «شنیدم که خداوند ماضی علاءالدوله قـدّس الله روحـه... خواجه رئیس بوعلی سینا را گفت: اگر علوم اوایل به عبارت پارسی بودی، من توانستمی دانستن. و بدین سبب به حکم فرمان دانشنامه علایی ساخت.» و به احتمال قوی ابوریحان بیرونی «التفهیمِ» فارسی را نیز به همین منظور برای ریحانه دختر حسین (یا حسن) خوارزمی تألیف کرده است.

ابن سینا و بیرونی

دانشنامه و التفهیم: ابن سینا (۳۷۳ـ۴۲۸ق) و ابوریحان بیرونی (۳۶۲ـ۴۴۰ق) دو بزرگمرد معاصر یکدیگر بودند؛ منتها بیرونی بزرگسال تر از ابن سینا بود. مکاتبات و مناظرات آن دو دانشمند معروف است. آنچه اینک مورد توجه ماست، خدمتی است که ایشان به زبان و لغت پارسی کرده‌اند. بیش از عهد آنان، دو رسالهٔ استخراج و شش فصل در نجوم و احکام آن توسط محمد بن ایوب طبری تألیف شده بود، ولی این رساله‌ها کمّاً و کیفاً قابل مقایسه با التفهیم بیرونی نیستند؛ اما در حکمت پیش از دانشنامه- تا آنجا که می‌دانیم- کتابی به فارسی به رشته تحریر درنیامده بود. ابن سینا با دانشنامه و بیرونی با التفهیم خود نهضتی در ایران پدید آوردند که دامنهٔ تأثیر آن تا عصر حاضر کشیده شده است.

با تألیف این دو کتاب، فرهنگ لغات فارسی غنی‌تر و ارجمندتر گردید؛ زیرا این دو دانشمند از لغاتی که متداول و رایج بود، و نیز از آنچه بطون کتب مضبوط بود، گلچین کرده، در دواثر جاویدان خود به کار بردند و برای مفاهیمی نیز که لغتی در تداول یا در کتب پیشینیان نیافته بودند، لغات رایج را مجازاً به معانی جدید استعمال کردند و در صورت ضرورت، ترکیبات و اصطلاحاتی از مفردات پارسی پرداختند، و زبان پارسی را تا آنجا که در آن عهد میسر بود، شایسته ادای مفاهیم علمی کردند.

زمان تألیف دانشنامه و التفهیم قریب به یکدیگر است؛ چه، «التفهیم» در سال ۴۲۰ق تالیف شده و سال تألیف دانشنامه هرچند مشخص نیست، ولی به طور قطع بین سالهای ۴۱۴ و ۴۲۸ تألیف شده است؛ بنابراین با مـدارک موجود تقدم و تأخر تألیف این دو کتاب با تأثیر یکی در دیگری معلوم نیست. در هر حال با وجود اختلاف دانشنامه و التفهیم در موضوع، آن دو لغات و ترکیبات مشترک بسیار دارند که از آن جمله است:

لغات مشترک: آبناک (پر آب و زمینی که از همه جای آن آب بیرون می‌جوشد)، آرمیدن (و مشتقات آن: ساکن بودن، بی حرکت بودن)، آمیختن (و مشتقات آن: اختلاط و امتزاج و ترکیب)، اندریافتن (و مشتقات آن: ادراک کردن)، باریک (دقیق)، برسو (عالی و سمت فوقانی)، پذیرفتن /پذرفتن (قبول، بیرونی آن را به معنی نجومی به کار برده و ابن سینا به معنی فلسفی)، پیوستن (اتصال، بیرونی این کلمه را به مفهوم نجومی گرفته و ابن سینا به مفهوم فلسفی. همچنین است پیوند به معنی اتصال)، تنومند (جِرم و جسم)، تنومندی (جسمانیّت، بیرونی به مفهوم نجومی استعمال کرده و ابن سینا به معنی حکمی)، جنبانیدن (و متشقات آن: حرکت دادن تحریک)، چگونگی (کیفیت)، چهارسو (چهارگوشه، مربع، مستطیل و چهارسویی: چهارگوشه بـودن)، خرمن (ماه: هاله)، دیگرم (وصف ترتیبی، دیگر)، دیداری (مرئی)، راست (مستقیم خط)، رده (صف، سطر، کلمات)، زبَرسو (عِلوی مقابل سُفلی)، زیانکار (مضر، ضاری)، سه سو (مثلث؛ سه سویی: مثلث بودن)، شمار (عدد)، فروسو (تحت، سفل)، فرو شدن (انحطاط، سقوط، غروب)، کرانه (کنار، طرف، حاشیه)، گرایستن (میل کردن، متمایل شدن) مانندگی (شباهت و تشبیه)، میانگین (میانگی، واسطه، متوسط)، نگرش (نظر، ملاحظه)، نهادن (فرض کردن)، هموار (مسطح)، همواری (مسطح بودن)، یادداشتن (و متشقات آن: حفظ به خاطر داشتن).

بدیهی است که بسیاری از لغات بسیط و مرکب در دانشنامه آمده که در التفهیم نیست و به عکس. التفهیم و دانشنامه هر یک جداگانه در کتب نجومی و فلسفی پارسی تأثیر کرده‌اند.

ابن سینا با دانشنامه علائی و بیرونی با التفهیم، نهضتی در ایران پدید آوردند که دامنهٔ تأثیرش تا عصر حاضر کشیده شده است. با این دو کتاب، فرهنگ لغات فارسی غنی‌تر گردید؛ زیرا این دو دانشمند از لغات رایج و نیز از آنچه در بطون کتب مضبوط بود، گلچین کرده، در کتابشان به کار بردند و برای مفاهیمی نیز که لغتی نیافته بودند، ترکیبات و اصطلاحاتی از مفردات پارسی پرداختند و زبان پارسی را تا آنجا که در آن عهد میسر بود، شایسته ادای مفاهیم علمی کردند

لغات پارسی در آثار ابن سینا

لغات و اصطلاحات علمی عربی، تا زمان ابن سینا استقرار نداشت و هر کس به سلیقه خود- رسا یا نارسا- کلماتی را استعمال می‌کرد؛ ولی از زمان شیخ اصطلاحات استقرار یافت و هر چه را او در کتب خود به کار برد، برای اخلاف به منزلهٔ لغت و اصطلاح رسمی شد و حکم لغات موضوعه را یافت. برخی از این اصطلاحات از پیشینیان است که شیخ با انتخاب و استعمال آنها، موجب رواج آن کلمات گردید و برخی دیگر ساختهٔ خود اوست. خواجه رئیس همان گونه که در مصنفات عربی خود به توسعه لغات و اصطلاحات زبان عربی خدمت کرده، در آثار پارسی خویش نیز موجب وسعت دامنه لغات فارسی و مورد استعمال آنها شده است. اینک دانشنامه او برای ما گنجینه‌ای است از اصطلاحات حکمی. در مقاله حاضر از آثار فارسی شیخ، فقط از «دانشنامه علایی» و «رگ شناسی» سخن می‌رانیم. لغات فارسی یا مرکب از فارسی و تازی که در دو کتاب مزبور آمده، بر چهار بخش است:

بخش اول: لغات معمول در زبان فارسی که پیش از عهد ابن سینا و هم در زمان او متداول بوده است و شیخ آنها را طبق عادت در آثار خود وارد کرده است؛ از این قبیل است: آبی، آتشی، آرامش، آسان، آفت، آهنگ، اسب، افکندن، ایستادن، باد، برف، پایدار، پدری، پذیرفتن، جدایی، خون، درشتی، دل، روشنایی، سخن، سردی، شاخ، کمی، گردش، گرمی، گوشت، مغز، یکسان و غیره.

بخش سوم: لغات علمی و فلسفی که ابوریحان بیرونی و ابن سینا هر دو آورده‌اند و نمونه آنها پیشتر گذشت.

بخش چهارم: لغات و ترکیباتی که نخستین بار در آثار ابن سینا آمده، و در کتاب‌های مؤلفان پیش از او دیده نمی‌شود؛ از این قبیل است: ایستادگی به خودی خود، ایستاده به خود، به خویشتن ایستادن، بهره پذیرش، بی گسستگی، پسرگر، پیوندپذیر، پیونددار، ترکیب پذیرنده، جزاویی، جزوی شناس، جنبش پذیر، جنبش پذیرفتن، جنبش پذیری، جنبش دار، جنبش راست، جنبش گرد، جهت گر، خانه گر، دوچندانی، شایدبود، شایدبودن، علم زیرین، علم سپس طبیعت، علم فرهنگ، علم میانگین، کارکنش، کجایی، کدامی، کی، مانندگی جستن، مانندگی نمودن، مایگی، معشوق مانی، هرآینگی بودن، هست آمدن، هست بودن، هستی دِه و غیره.

طبق فهرست‌هایی که نگارنده برای لغات و اصطلاحات برجسته پارسی با مرکب از تازی و پارسی دانشنامه (بخشهایی منطق، الهی و طبیعی) ترتیب داده، شماره آنها از این قرار است: منطق ۲۱۴، طبیعی ۲۰۱، الهی ۴۷۴ که جمعاً ۸۸۹ کلمه است. رساله رگ شناسی نیز طبق استخراج مصحح آن، آقای سیدمحمد مشکات ۱۵۰ لغت و ترکیب قابل توجه دارد، و جمع این دو بخش ۱۰۳۹ است؛ و اگر مکررات را حذف کنیم، شامل قریب هزار لغت بسیط و مرکب خواهد بود. ابن سینا در انتخاب و وضع لغات فارسی شیوه‌های ذیل را به کار برده است.

۱. تغییر معنی متداول: شیخ بسیاری از لغات معمول عهد خود را مجازاً برای مفاهیم فلسفی و علمی استعمال کرده است، از آن جمله است: ایستادن (قائم بودن)، به خواست (بالأراده)، برینش (قطع در ریاضی و هندسه)، بسیاری (کثرت، مقابل وحـدت)، بکنیدن (ان ینفعل)، پذیرا (قابل، به اصطلاح فلسفی) پذیرفته (حـال، به اصطلاح فلسفه)، تنومند [(عالم) جسمانی]، تنومندی [(قوت‌های) جسمانی]، جدایی (غیرت)، جوالدوزی (ممسلی، نبض)، دارنده [(علت) مبقیه]، داشت (ملک)، دریابنده (مدرک)، روان (نفس)، زخم (قرعه، ضربه)، سربه سر (مساوی)، کجایی (این)، کرده، (مفعول، محدث)، کنا (فاعل، فعیل)، کنندگی (فاعلیت، محدثیت)، کننده (فاعل، محدث)، کنش (این یفعل)، کیی (متی)، گداخته (مایع، متقابل جامد)، مایگی (مادیت، ماده بودن)، نهاد (وضع)، یکیی (وحدت، مقابل کثرت).

۲. رکیب و اشتقاق: همچنین ابن سینا از ترکیب لغات با یکدیگر و اشتقاق از مصادر اصطلاحاتی برای مفاهیم علمی و فلسفی ساخته است. این گونه کلمات نیز بر دو قسم است:

الـف) ترکیب لغات فارسی: از ایـن نوع اسـت: آیـیـنـه سوزان (آیینهٔ محرقه)، ارگی [منشاری (نبض)]، افکندن گمان (تولید شک)، اندرمیان افتاده (الواقع فـی الـوسـط)، انـدریـابـایـی (ادراک)، اندریابنده (مُدرِک)، اندریافت (ادراک)، اندریافتن (ادراک)، اندریافته (مُدرَک)، ایستادگی به خودی خود (قائم بالذات بودن)، ایستاده به خود (قائم بالذات)، ایستاده بودن (قائم بودن)، باریک گوهری (دقت در جوهر)، بالش ده (منمیه)، برسو (جهت علوّ)، بستناکی (انجماد)، بهره پذیر (قابل قسمت)، بهره پذیرش (قابلیت تقیسم، قابلیت تـجـزی)، بهره پذیرفتن (قابلیت تقسیم)، بیرون از طبیعت (مابعدالطبیعه)، بی گسستگی (لاینقطع)، پاره شدن (تجزی)، پسرگر (مولد و موجد پسر)، پهن ناخن (عریض الاظفار) پیداگر (ظاهرکننده)، پیوندپذیر (قابل اتصال)، پیوند پذیرفتن (قبول اتصال)، جان سخن گویا (سخن ناطقه)، جزاویی (خلاف، تقابل) جنبایی [(قوهٔ) حرکت]، جنبش پذیر (قابل حرکت)، جنبش پذیرفتن (قـبـول حـرکـت)، جـنـبـش پـذیـری (قـابـلـیـت حـرکـت)، جنبش دار (متحرک)، جنبش راست (حرکت مستقیم)، جنبش گرد (حرکت مستدیر) جنبنده به خواست چه چیزی (ماهویت، ماهیت)، دُم موشی [ذنب الفار (نبض)]، دوزخمی [ذوالقرعتین (نبض)]، دیـداری (ظـاهـری)، دیرجنب (بطئ الحرکه)، روشن سرشتی (منورالفطره بودن)، زایش ده (مولده)، زفر زبرین (فک اعلی)، زفر زیرین (فک اسفل)، زودجنب (سریع الحرکه)، سست زخم (سست قرعه، سست ضربه)، سه سو (مثلث)، سه سویی (مثلث بودن)، شایدبود (امکان)، شایدبود بـودن (ممکن بودن)، فروسو (جهت سفلی)، گوهر رویـنـده (جوهر نامی، نبات)، مانندگی جستن (تشبه)، مانندگی نمودن (تشبه نمودن)، مورچگی [نملی (نبض)]، ناپذیرا (غیرقابل)، ناپذیرایی (عدم قبول) نادیداری (باطنی)، ناشمار (غیرعدد)، هرآینگی بودن (وجـوب)، هست آمدن (به وجود آمدن)، هست بودن (موجودیت)، هست شدن (موجود شدن).

ب) ترکیب لغات پارسی با لغات تازی: از آن جمله است: افکندن یقین (تولید یقین)، جداوزن (مباین الوزن)، جهتگر (ذوجهت، دارندهٔ جهت)، حدّ کِهین (حد اصغر)، حد مِهین (حد اکبر)، حد میانگین (حد اوسط)، حرکت راست (حرکت مستقیمه)، حرکت گرد (حرکت مستدیره)، سردی طبیعی (برودت طبیعی)، سردی ناطبیعی (بـرودت غیرطبیعی)، شمار تام (عدد تام)، علم آب (علم تفسره، علم بول)، علم انگارش (علوم وهمیه، ریاضیات)، علم برین (علم اعلی، حکمت مابعدالطبیعه)، علم پیشین (حکمت اولی)، علم ترازو (منطق)، علم رگ (علم نبض)، علم زیرین (علم اسفل، علم طبیعی)، علم سپس طبیعت (علم مابعدالطبیعه)، علم فرهنگ (علم تعلیمی)، علم میانگین (علم اواسط)، فلسفه پیشین (حکمت اولی)، قسمت پذیر بودن (قابل قسمت بودن)، قسمت پذیر شدن (قابل قسمت شدن)، قسمت پذیرفتن (قبول قسمت)، قوت اندریابنده (قوه مدرکه)، قوت جنبش (قوه حرکت، قوه محرکه)، قوت داننده (قوه عاقله)، قوت کنایی (قوه فاعله)، قـوت یـادداشـت (قـوه حافظه)، قیاس راست (قیاس مستقیم)، گرمی طبیعی (حرارت طبیعی)، گرمی ناطبیعی (حرارت غیرطبیعی)، گوهر شناسنده به حس (حیوان)، مقدمه پیشین (مقدمه اولی)، مقدمه کهین (مقدمه صغری)، مقدمه مهین (مقدمه کبری)، نایقینی (عدم یقین)، نبض آهوی (نبض غزالی)؛ نبض باریک (نبض دقیق)؛ نبض تیز (نبض سریع)، نبض خُرد (صغیر)، نبض درنگی (نبض بطئ)، نبض دمادم (نبض متواتر)، نبض ستیز (نبض غلیظ)، نبض لرزنده (نبض متشنج).

ادامه دارد

مقاله

شهسواران غیب

دکتر انشاءالله رحمتی

بخش چهارم

سخن به تأویل رسید و پدیدارشناسی ابن‌عربی در مقوله «نور و سایه» و اینکه پدیدار نور و رنگ و رمزپردازی رنگها، از مضامین مهم در آثار هانری کربن است. اینک ادامه مطلب:

باید به حکیمی چون ملاصدرا حق داد آنجا که می‌گوید میان نظر به ابن‌عربی و معتزلیان، به رغم شباهت ظاهری شان، بسی فرق است و هرگز نمی‌توان نظر ابن‌عربی را تا سطح دیدگاه خلافِ عقل معتزلیان تنزل داد، بلکه نظر او را «محمل صحیح و وجه وجیهی» است که باید برای فهم آن کوشید. نظر معتزلیان البته خلاف عقل است؛ زیرا ثبوتِ «ماهیّتِ» جدای از هر گونه «وجود»، محال است، لیکن ماهیت می‌تواند پیش از این وجود خاص، یا این ظهور که بدان تعیّن و تشخص یافته و از غیر خود متمایز گشته است، ثبوتی دیگر که عین وجود اجمالی آن در غیب مجهول است، داشته باشد. و این همان وضعیت وجودشناسانهٔ اعیان ثابته است که درباره آنها گفته می‌شود در این جایگاه وجودی هر یک اقتضاهای خاص خویش را دارند. آنجا که می‌گویند: «اعیان ثابته بوی وجود به مشامشان نرسیده» و از معدوم بودنشان سخن گفته می‌شود.

این به معنای «عدم مضاف» است نه «عدم مطلق». آنها به اعتبار وجود تفصیلی و تعیّن یافته، یا عیان شدهٔ خویش، معدوم‌اند و چنین نیست که مطلقاً معدوم باشند. اعیان ممکنات در همه عوالم معدوم‌اند، مگر در عالم اسماء. ملاصدرا در تبیین این معنا می‌نویسد: «همان طور که چیزها را وجودی طبیعی در این جهان است، و وجود مثالی ادراکی جزئی در جهان دیگر، و وجود عقلیی در جهانی بالای این دو جهان، همچنین آنها را وجود اسمائی الهیی در ساحت ربوبی است که در عرف صوفیه، آن را عالم اسماء گویند».

۲-۲. یوسف محمدی

آن یوسف محمدی که در مکتب پیامبر(ص) این گونه به واقعیت سایه‌گون همهٔ ماسوی‌الله آگاه شده و دریافته است که جهان طبیعت که ما در آنیم، آخرین مرتبه سایه و دورترین ناحیه آن است، هر ادراکی را چه در خواب و چه در بیداری، برای خویش عبرتی می‌داند. عبرت به معنای ریشه‌ای که عبور است «از جانب معلوم به جانب مجهول». آن جانب معلوم برای آن است که مدرِکْ آن را به جوانب مجهولش، تا به غیب مجهول آن، بازبَرد. رؤیای صادقه در جهان ما، بارزترین ادراک از این دست است که نیازمند تعبیر و تأویل است. از این روی ابن‌عربی نه تنها تعبیر خواب یوسف پیامبر(ص)، بلکه فهم ظاهری از خواب حضرت ابراهیم(ع) را نیز متفاوت با تأویلی می‌داند که یوسف محمدی، از پیامبر اسلام(ص) آموخته است.

در «فصّ اسحاقی» با استناد به قرآن کریم آمده است که حضرت ابراهیم(ع) به پسرش گفت: «**یا بُنَیَّ إِنِّی أَرَی فِی الْمَنامِ أَنِّی أَذْبَحُکَ**: ای پسرکم در خواب می‌بینم که تو را سر می‌بُرَم.» خواب، حضرتِ خیال است و ابراهیم(ع) آن را تعبیر نکرد. گوسپندی در صورت فرزند در خواب ظاهر شده بود و حضرت ابراهیم(ع) رؤیا را تصدیق کرد؛ بنابراین به قربانی کردن فرزند همت گماشت، اما در نهایت او را قربانی نکرد: «پروردگارِ او [= فرزند] وی را به سربهای قربانی بزرگی که همانا تعبیر خواب پدر در نزد خدا بود و او نمی‌دانست، بازخرید: **وَفَدَيناهُ بِذِبحٍ عَظيم**». در اینجا تفسیر ابن‌عربی با تفسیرهای متعارف از ماجرای قربانی کردن فرزند، متفاوت است.

تفسیر مشهور این است که خواب ابراهیم(ع) آزمودن پایداری او در ایمان و تسلیم داشتن اراده خویش به اراده خداوند بود و او با اهتمام به تقدیم فرزند، از این امتحان سربلند به درآمد. از نظر ابن‌عربی اگرچه آن خواب آزمون ابراهیم(ع) بود، اما هدف نه عیارِ ایمان و اخلاص و تسلیم او، که عیار قوّت او در تعبیر خواب بود، در شهسواری غیبی، در پل زدن از جانب معلوم به جانب مجهول، در گذشتن از ساحل دنیا به ساحل عقبی، در پل زدن میان دو کرانهٔ دنیا و عقبی. تجلی صوری در حضرت خیال، نیازمند دانش دیگری است که بدان می‌توان دریافت خداوند از آن صورت چه معنایی اراده فرموده است.

خواب متعلق به حضرتِ «مثال مقیّد» است که «خیال» نامیده می‌شود. آنچه در خواب دیده می‌شود، گاهی منطبق است با آنچه در ظاهر روی می‌دهد و گاهی این گونه نیست، بلکه نفس آدمی معنایی از معانی غیبی را که واسطه‌ای میان آن معنی و حق نیست، یا معنایی از معانی نقش شده در ارواح برتر را ادراک می‌کند و صورت مثالی مناسبی بر آن می‌پوشاند. پیامبران و کاملان در بیشتر موارد امور را در عالم مثالی مطلق، و نه در «حضرت مثال مقیّد» ادراک می‌کنند، و در این صورت ادراکشان مطابق با واقع است. ابراهیم(ع) خوابش را از این قسم اخیر دانست، اما به واقع از قسم نخست بود. در حقیقت آن قربانی اگرچه به ظاهر سربهای (فدیه) فرزند بود، لیکن در نفس‌الامر چنین نبود.

قرآن کریم درباره ماجرای قربانی می‌فرماید: «**إنّ هذا لَهُو البلاء المبین**: به راستی این، آزمایش آشکاری بود» و ابن‌عربی آن را بدین معنا می‌گیرد که مقصود آزمایش در علم بود، اینکه آیا او می‌داند موطن رؤیا اقتضای چه تعبیری دارد؟ به هر حال اینها برای آن بود که خداوند کاملی را بیازماید، کمال بخشد و مطلع سازد که آن معانی را که پیوسته در صورت‌های حسی و مثالی عیان می‌شوند، نباید فقط بر ظاهرشان حمل کرد، بلکه در حجاب ظاهر آنها، باطن یا باطن‌هایی نهان است که باید در پی آشکار ساختن آن بود. اما چه بود باطنی که در زیر ظاهر این رؤیا محجوب ماند؟ ابیات آغازین همین فص را می‌توان مشعر به تأویلی دانست که ابن‌عربی در خصوص این رؤیا در مدّنظر دارد:

«فَداءُ نبیٍّ ذَبحُ ذِبحٍ لِقُربانٍ...: آیا سربهای پیغمبری، بریدن سر گوسپندی است؟ بانگ قوچ کجا و آواز انسان کجا...» خود او پاسخ می‌دهد: قربانی مراتب دارد و باید میان قربانی و آنچه قربانی چونان سربهایش داده می‌شود، سنخیتی باشد تا پذیرفته آید. در صورت رعایت این تناسب، قربانی سود دهد و کارساز تواند بود، وگرنه مایه زیان خواهد شد. قیصری در شرحش، میان آن و میثاق ازلی پیوندی تشخیص می‌دهد. دادن قربانی برای وفا کردن به عهد ازل است و آن بازگرداندن امانت هستی است که خدا به آدمی عطا کرد.

ادامه دارد

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۴/۱۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم شرکت تعاونی درودگران و مبلسازان تهران به شماره ثبت ۱۰۳۶۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۲۰۴۵۲

نظر به این که مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۶ به علت نرسیدن به حد نصاب قانونی تشکیل نگردید، لذا بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم تعاونی که رأس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۸ واقع در تالار زیتون خیابان سی متری جی، خیابان شهید فتح‌آبادی برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

توضیح اینکه:

۱- این جلسه با حضور هر تعداد از اعضاء تشکیل و رسمیت می‌یابد.

۲- در صورتی که حضور عضوی در جلسه به هر دلیل میسر و امکان‌پذیر نگردد می‌تواند حق اعمال رای خود را به موجب وکالتنامه ای به عضو دیگر و یا نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، که در این صورت هر عضو با همراه داشتن حداکثر سه وکالت و غیرعضو با یک وکالت می‌تواند در جلسه حضور پیدا نماید.

۳- متقاضیان اعطای وکالت می‌توانند همه روزه از ساعت ۱۰ صبح الی ۱۴ تا حداکثر ۴۸ ساعت قبل از تاریخ برگزاری مجمع همراه وکیل خود جهت اخذ برگ ورود به جلسه به محل دفتر مرکزی به نشانی: خیابان کارگر جنوبی، نبش خیابان آذربایجان شرقی، پلاک ۱۶۱ مراجعه نمایند.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیات مدیره

۲- استماع گزارش بازرسان و حسابرس قانونی شرکت

۳- طرح ترازنامه و عملکرد سود و زیان شرکت منتهی به تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ پس از استماع گزارش هیات مدیره و بازرسان

۴- اتخاذ تصمیم نسبت به نحوه تقسیم سود و زیان و ذخائر قانونی

۵- طرح و تصویب گزارش تغییرات اعضاء و سرمایه شرکت در سال ۱۴۰۲

۶- تعیین خط مشی و برنامه های آینده تعاونی و تصویب بودجه پیشنهادی و اعتبارات درخواستی هیات مدیره برای سال ۱۴۰۳

۷- طرح و تصویب گزارش کارشناسان رسمی دادگستری در خصوص تعیین و ارزیابی قیمت روز سهام اعضاء

۸- انتخاب بازرسان و یک نفر عضو علی البدل هیات مدیره

هیات مدیره شرکت تعاونی درودگران و مبلسازان تهران

گروه صنایع سیمان کرمان (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی

خرید انواع سیم لاکی مربوط به کارخانه سیمان کرمان، به شرح مندرج در اسناد مناقصه

گروه صنایع سیمان کرمان (شرکت سهامی عام) در نظر دارد نسبت به خرید انواع سیم لاکی، به شرح مندرج در اسناد مناقصه و از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی که دارای صلاحیت و امکانات لازم می‌باشند دعوت بعمل می‌آید، جهت دریافت اسناد و فرم شرایط شرکت در مناقصه، به سایت سیمان کرمان به نشانی www.kcig.ir و یا سامانه تدارکات الکترونیکی سیما تندر به نشانی www.simatender.ir مراجعه و پاکات مربوطه را تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۰ در پاکات در بسته در ساعت اداری به واحد تدارکات کرمان و یا دفتر تهران تحویل نمایند.

آدرس: تهران، بلوار آفریقا کوچه فرزان شرقی، شماره ۳ شماره تماس: ۸۸۸۷۹۴۲۱ داخلی ۱۳۸

گروه صنایع سیمان کرمان (سهامی عام)

آگهی تجدید مناقصه عمومی

انتخاب پیمانکار واجد شرایط جهت نگهداری فضای سبز کارخانه سیمان کرمان، به شرح مندرج در اسناد مناقصه

گروه صنایع سیمان کرمان (شرکت سهامی عام) در نظر دارد انتخاب پیمانکار واجد شرایط جهت نگهداری فضای سبز کارخانه سیمان کرمان، به شرح مندرج در اسناد مناقصه و از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی که دارای صلاحیت و امکانات لازم می‌باشند دعوت بعمل می‌آید، جهت دریافت اسناد و فرم شرایط شرکت در مناقصه، به سایت سیمان کرمان به نشانی www.kcig.ir و یا سامانه تدارکات الکترونیکی سیماتندر به نشانی www.simatender.ir مراجعه و پاکات مربوطه را تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۰ در پاکات در بسته در ساعت اداری به واحد تدارکات کرمان و یا دفتر تهران تحویل نمایند.

آدرس کارخانه: کرمان کیلومتر ۱۷ جاده تهران تلفن (۰۳۴)۳۱۳۴۱۵۰۵

گروه صنایع سیمان کرمان (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی

تامین یک دستگاه الکتروموتور با توان ۱۱۰ کیلووات مربوط به کارخانه سیمان کرمان، به شرح مندرج در اسناد مناقصه

گروه صنایع سیمان کرمان (شرکت سهامی عام) در نظر دارد نسبت به تامین یک دستگاه الکتروموتور با توان ۱۱۰ کیلووات، به شرح مندرج در اسناد مناقصه و از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی که دارای صلاحیت و امکانات لازم می‌باشند دعوت بعمل می‌آید، جهت دریافت اسناد و فرم شرایط شرکت در مناقصه، به سایت سیمان کرمان به نشانی www.kcig.ir و یا سامانه تدارکات الکترونیکی سیماتندر به نشانی www.simatender.ir مراجعه و پاکات مربوطه را تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۳، در پاکات دربسته در ساعت اداری به واحد تدارکات کرمان و یا دفتر تهران تحویل نمایند.

آدرس کارخانه: کرمان کیلومتر ۱۷ جاده تهران تلفن (۰۳۴)۳۱۳۴۱۵۰۳

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام)
شماره شناسه ملی: ۱۰۴۲۰۰۸۲۷۱۷

آگهی مناقصه عمومی

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام) در نظر دارد انجام خدمات تعمیر، سرویس و نگهداری تجهیزات پست برق ۱۳۲ کیلووات خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای با شرایط مشروحه ذیل به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

زمان دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۳ الغایت ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

محل دریافت اسناد مناقصه: کارخانه سیمان خوزستان واقع در استان خوزستان کیلومتر ۲۲ جاده رامهرمز هفتکل منطقه دشت دنا کارخانه سیمان خوزستان واحد بازرگانی و یا از طریق وب سایت: WWW.KHCCO.COM

میزان تضمین شرکت در مناقصه: ۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

مهلت تحویل پیشنهادها: از تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۳ الغایت ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ (تا پایان وقت اداری)

محل تحویل اسناد مناقصه: شرکت سیمان خوزستان، کارخانه سیمان خوزستان دبیرخانه واحد حراست.

هزینه درج آگهی در یک نوبت بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

شرکت سیمان خوزستان در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها یا رد کلیه آنها مختار می‌باشد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

متقاضیان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۴-۴۳۵۸۳۰۰۱-۰۶۱ داخلی ۲۳۲ (از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۴:۰۰) تماس حاصل فرمایند.

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام)